

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)  
سال هفدهم / دوره جدید / شماره ۵۷ / بهار و تابستان ۱۴۰۱  
صص ۳۶-۴۸ (مقاله علمی - پژوهشی)

# بررسی تطبیقی تأثیر مکان بر عده در فقه اسلامی

• فراست محمدی بلبان آباد

دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

f.muhamadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

## چکیده

عده مدت زمانی است که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند و این مدت بنابر حامل و حائل بودن و یا حائض و غیر حائض بودن زن و همچنین فوت شوهر یا طلاق، تاحدی متفاوت است. این پژوهش با روند توصیفی-تحلیلی به این پرسش محوری تأثیر تعلق مکانی و دین و دار زوجه در ثبوت و سقوط عده در فقه اسلامی پرداخته است و این نتایج احصا شد؛ جمهور فقهای اسلامی رأی به ثبوت عده برای نکاحی که موجود و منعقد در دارالاسلام و خارج از دارالاسلام، از نکاح مسلمان، کتابی و اهل ذمه، داده‌اند ولی در رأی غیر مشهوری برای نکاح اهل دارالحرب عده قائل نبوده و حربه را به محض ورود به دارالاسلام مجاز به ازدواج دانسته است و این رأی را برای مرته‌ای که از دارالاسلام خارج شود نیز ثابت دانسته‌اند. مدعای تحقیق برابری و ثبوت عده برای زوجه داخل و خارج از دارالاسلام و بدون لحاظ کردن تعلق مکانی اوست، ادله مدعا عدم فسخ فوری نکاح زوجین مختلف‌الدار، صحت نکاح اهل کفر، مورد خطاب بودن کفار نسبت به احکام و ثبوت حکمت‌های عده در تمام نکاح‌ها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عده، مکان، دارالاسلام، دارالحرب، فقه اسلامی.



## مقدمه

۴ ماه و ۱۰ روز است، چراکه پس از طلاق احتمال بازگشت زوجین وجود دارد به همین علت بهتر است نفر سومی وارد زندگی زن و مرد نشود، چون ممکن است ارتباط جدید آسیب بیشتری را برای فرد به دنبال داشته باشد.<sup>۱</sup>

هدف از تحقیق حاضر بررسی دیدگاه فقهای اسلامی در رابطه با عده برای انحلال نکاح با توجه به مکان و بلادی است که زوجین ساکن آن می‌باشند. چراکه عده از آثار نکاح می‌باشد پس باید این مسأله بررسی شود که آیا این اثر در مورد نکاح بلاد مختلف جریان دارد و دین و دار و به عبارتی تابعیت سرزمینی زوجین در آن تأثیر دارد یا نه؟

از آنجا که عقد نکاح، در تمام اقوام و ملل به عنوان عقدی رسمی مورد پذیرش است، در رابطه با آثار آن از جمله عده، لازم به بررسی است که اگر زوجین بنا بر قوانین سایر دولت‌ها و دین و آیینی غیر از اسلام عقد ازدواج بستن و به هر دلیلی از هم جدا شدن و ازدواج آنها از بین رفت، آیا باز لازم و ضروری است که زوجه چنین نکاحی عده بگذراند یا نه؟ به نظر می‌رسد یافتن پاسخ این مسأله ضروری است.

در مورد عنوان تحقیق، پژوهشی به صورت تخصصی صورت نگرفته و در زمینه عنوان عده نیز تحقیقات جامع زیادی صورت نگرفته است و بیشتر جمع آوری آراء و نظرات گذشتگان بوده است و خلأ عدم بررسی این مهم در قانون موضوعه و همچنین تحقیقات دانشگاهی امروزی به وضوح پیداست. مطالب محدودی در مورد عده می‌توان یافت، نظیر مقالات: «تطبیق قوانین عده در ایران و سایر کشورها» نوشته لمیا رستمی تبریزی، چاپ شده در مجله مطالعات راهبردی زنان شماره ۴۳ سال ۱۳۸۸ تا حدی نزدیک به موضوع این بحث می‌باشد ولی صرفاً بیان قوانین عده در ایران و سایر کشورها و فلسفه مربوط به عده است و هیچ تحلیل و

در صورت فراهم بودن و وجود شرایط و نبودن موانع از لحاظ عرف و قانون و شریعت، ازدواج واقع می‌شود، و همچنین با وقوع برخی حوادث دیگر ازدواج از بین رفته و منحل می‌شود؛ مانند طلاق و فوت یکی از زوجین؛ در سایر ادیان و جوامع و همچنین شریعت اسلام، امکان نکاح مجدد را برای زوج‌هایی که نکاح آنها بنا بر این دلایل از بین رفته است فراهم شده است و آنها را به مهارت‌هایی و ساز و کارهایی که برای آماده شدن شخص جهت ورود به زندگی جدید لازم است مجهز نموده‌اند، از جمله آنها سپری شدن مدت زمانی مشخص است. فرآیند سازگاری با جدایی یا فوت همسر و از دست دادن یک رابطه باید به خوبی سپری شود تا شخص برای ازدواج مجدد آمادگی لازم را به دست آورد. در مواقعی که طلاق به صورت ناگهانی اتفاق بیافتد و یا اینکه همسر به شکل ناگهانی فوت شود، طی شدن مدت زمانی برای پذیرش واقعه از جانب شخص و کنار آمدن با آن، لازم و ضروری است؛ این مدت معمولاً همراه با مراحل مانند انکار، خشم، غم و نهایتاً پذیرش طی می‌شود، پس از این مراحل، آمادگی روحی فرد برای ورود به یک رابطه جدید در سطح قابل قبولی فراهم می‌شود. البته بهتر است ازدواج مجدد به خاطر فرار از تنهایی و افسردگی نباشد و شخص در این برهه زمانی رابطه قبلی خود را بررسی کند؛ این کار به درک روشنی از علل شکست در صورت جدایی کمک خواهد کرد.

شخص برای ازدواج مجدد بعد از جدایی، نیازمند بازسازی عاطفی و شناختی است چراکه جدایی همراه با تنش، درگیری و پیچیدگی خاص می‌باشد و تعیین مدت زمان مشخص از دیدگاه روانشناسی برای ازدواج مجدد سخت می‌باشد و نسبت به افراد می‌تواند متفاوت باشد و عواملی مانند پختگی فرد، درجه هوش او و موقعیت و امکاناتی که فرد برای تنها بودن دارد، تأثیر دارد. از نظر شرعی بهترین زمان برای زنان ۳ تا

۱. «پس از طلاق، بهترین فرصت برای ازدواج مجدد چه زمانی است؟»، ص ۳.





ترجیحی در مورد قوانین و دیدگاه‌ها صورت نگرفته و صرفاً جمع آوری مطالب و آن هم بسیار محدود می‌باشد و همچنین مقاله «بررسی عده مطلقه یا نسه در فقه امامیه و قانون مدنی ایران» سید مسلم حسینی ادیانی که در مجله فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران پاییز و زمستان ۱۳۹۵ دوره ۵۲ شماره ۲ به چاپ رسیده، و پایان نامه‌هایی نظیر «مطالعه تطبیقی تعمیم احکام و آثار مترتب بر عده طلاق و عده وفات در فقه اسلامی»، هانیه پیران کاشانی در شهریور ۱۳۹۵ دفاع شده که به تعمیم احکام بر عده طلاق و وفات پرداخته است، و مطالبی که در سایت‌های اینترنتی و بدون ذکر منبع و مصدر آن بیان شده، مثل «عده و نگاهی به مفهوم» که صرفاً بیان انواع عده مانند عده طلاق و وفات ... بوده است. علاوه بر این در متون فقهی نیز این مسأله به طور واضح مورد بحث قرار نگرفته است و در مباحث و ابواب مربوط به عده، در کتاب‌هایی مانند: فقه الإمام الصادق (ع) محمدجواد مغنیه، و الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت (ع) عبدالرحمن جزیری، و موسوعة مسائل الجمهور فی الفقه الإسلامی، آن هم به صورت بسیار موجز مورد اشاره قرار گرفته است. حال آنکه در دنیای امروز و با وجود آشنایی و روی آوری زنان غیر مسلمان به اسلام که خواهان اجرای احکام و قوانین اسلامی در زندگی اسلامی جدید خود می‌باشند، آشکار نمودن قضیه و تعیین تکلیف نمودن برای آنها بسی مهم می‌باشد. جمع آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است.

## مفهوم شناسی مصطلحات

### ۱) عده

عده یا عدت، در لغت به معنی شمار و جماعت و گروه است و از العدة عربی گرفته شده است. «عده گرفتن» کنایه از خانه نشینی و «عده غم» به معنای دوران اندوه و افسردگی است.<sup>۲</sup> اما در اصطلاح فقه: «فعدة مأخوذة

من العدة، و الحساب، و الإحصاء: أي ما تحصیه المرأة و تعده من أيام أقرانها و أيام حملها، و أربعة أشهر و عشر لیال للمتوفی عنها؛» «عده از عدد و حساب و شمارش گرفته شده است: یعنی چیزی که زن از دوره ماهانه یا روزهای حملگی به شمارش می‌آورد و همچنین چهار ماه و ده روز برای شوهر متوفایش».<sup>۳</sup> عده به کسر عین، اسم است و مشتق از اعتداد می‌باشد. عده به دوره زمانی معینی می‌گویند که در آن زن پس از طلاق یا وفات همسرش یا پس از آمیزش اشتباهی با کسی، حق ازدواج ندارد.<sup>۴</sup> عده اقسامی همچون عده طلاق، عده وفات، عده ازدواج موقت، عده آمیزش اشتباهی و عده مفقود الاثر دارد که مدتشان غالباً با هم متفاوت است. به فتوای فقیهان، در همه عده‌ها به جز عده وفات، شرط وجوب عده این است که آمیزش صورت گرفته باشد.<sup>۵</sup>

همچنین ماده ۱۱۵۰ ق.م می‌گوید: عده عبارت از مدتی است که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند؛ بنابراین زن می‌تواند در مدت عده با شوهر سابق خود که برای انحلال نکاح او عده نگهداشته است، ازدواج نماید. ازدواج مجدد با شوهر سابق در صورتی است که طلاق بائن نبوده و نکاح مجدد مانعی نداشته باشد، مانند طلاق خلع و مبارات قبل از رجوع زن به عوض و طلاقى که به حکم دادگاه و یا در اثر شرط وکالت، زن خود را طلاق می‌دهد که در این صورت طلاق بائن محسوب می‌شود. اما در مدت عده رجعیه شوهر نمی‌تواند نکاح مجدد با زن مطلقه خود منعقد سازد، زیرا مطلقه رجعیه زوجه یا در حکم آن است و نکاح مجدد با او به دست آوردن چیزی است که خود موجود است، بلکه شوهر هرگاه بخواهد رابطه زوجیت با زن مطلقه خود برقرار سازد می‌تواند به

۳. معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، ج ۲، ص ۴۸۱.

۴. جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۲۱۱.

۵. الروضة البهیة، ج ۶، ص ۵۷؛ شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۲۲؛ جواهر الکلام، ج ۳۲، صص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ الفقه الإسلامی و أدلته، ج ۹، ص ۷۲۱۶.

۲. لغت‌نامه دهخدا، واژه «عدت».

وسيله رجوع، نکاح سابق را برگرداند و اگر در مدت عده رجعيه، زن و شوهر نکاح مجدد برقرار سازند نکاح مزبور باطل و می‌توان آن را رجوع دانست.<sup>۶</sup> دلیل وجوب عده در شریعت اسلام کتاب و سنت و اجماع است.

## ۲) مکان

مکان در این پژوهش محدوده‌ای با سیستم سیاسی و حقوقی مختص به خود می‌باشد به عبارتی مکان بلاد و سرزمینی است که برای تبعه و شهروندان خود نظام حقوقی خاصی تعریف می‌کند و حامی آن است. از نگاه شریعت اسلامی، جهان به دو مکان و اردوگاه اصلی تقسیم می‌شود: دارالاسلام و دارالکفر.<sup>۷</sup> دارالاسلام جایی است که شریعت اسلام در آن پیاده و حاکمی مسلمان بر آن حکمرانی دارد و مردم آن را مسلمانان و غیرمسلمانان تشکیل می‌دهد و ساکنان غیر مسلمان آن تحت شرایطی در برابر حکم اسلام تسلیم می‌باشند و حکومت اسلامی نگهدار جان و مال آنهاست، منظور از غیرمسلمانان در اینجا اهل کتاب می‌باشد.<sup>۸</sup> برای تحقق دارالاسلام سه عنصر جمعیت و حکومت مسلمین و اجرای احکام لازم است.<sup>۹</sup> معیار اجرای احکام اسلامی و آزادی شعائر اسلامی،<sup>۱۰</sup> معیار وجود اکثریت جمعیت مسلمان،<sup>۱۱</sup> معیار مالکیت سرزمینی،<sup>۱۲</sup> معیار حاکمیت سیاسی و قلمرو حکومت.<sup>۱۳</sup> دارالکفر که گاهی دارالشک هم نامیده می‌شود و با دارالحرب هم این معنا متصور و غالباً مترادف همدیگر به کار

می‌روند، سرزمینی است که بیشتر ساکنان آن غیر مسلمان و حاکمیت در اختیار کفار است.<sup>۱۴</sup>

## تأثیر مکان بر عده

عده از آثار انحلال نکاح است؛ بنابراین در صورت انحلال عقد، آثار آن نیز تثبیت خواهد شد. در متون فقهی و حقوقی اسلامی، مسلمان بودن و حضور در بلاد اسلامی و تبعه دارالاسلام بودن قوانین مشترکی برای اعضای آن به همراه دارد و در این زمینه تقریباً تفاوتی میان مسلمان و کتابی و اهل ذمه وجود ندارد، در رابطه با عده، عده زن مسلمان واضح و روشن است و در تعریف عده اشاره کلی به آن شد اما آراء و نظرات فقهای اسلامی در مورد عده زنان غیر مسلمان یا زوجینی که در اثنای عقد نکاح و زمان زوجیت دچار اختلاف دینی و آیینی شده‌اند می‌توان دو دیدگاه ثبوت عده و سقوط عده را احصا نمود، در ذیل هر کدام بیان می‌شود:

### ۱) ثبوت عده

فقهای اسلامی برای سه گروه ذیل قائل به ثبوت و گذران عده از جانب زن می‌باشند:

الف) زن کتابی ساکن دارالاسلام: اگر زن کتابی، زوجه مرد مسلمان باشد در وجوب عده و نگهداشتن عده وفات در حکم زن مسلمان است اما اگر زوجه، مرد کتابی مثل خودش باشد بنا بر رأی امامیه و سایر فقهای مذاهب دیگر نگهداشتن عده بر او واجب است اما حنفیه بر این نظرند که زن غیر مسلمانی که با مرد غیر مسلمان ازدواج کرده عده ندارد.<sup>۱۵</sup> حنفیه و مالکیه و شافعیه و حنابله و ثوری بر این نظرند که اگر زن کتابی و ذمی زوجه مرد مسلمان باشند، بنا بر عموم ادله موجهه عده، در عده طلاق و فسخ و وفات مانند عده زن مسلمان است.<sup>۱۶</sup> عده کتابی در عدد و حکم و حدود مثل عده زن مسلمان است و فرقی نمی‌کند شوهرش

۶. حقوق مدنی، ج ۵، ص ۷۴.

۷. موجز دائرة المعارف الإسلامیة، ج ۱۵، ص ۴۸۱۹.

۸. همان، ج ۱۵، ص ۴۸۲۰.

۹. «قدرت نرم نظم اساسی جمهوری اسلامی ایران در تحقق آرمان وحدت اسلامی»، ص ۱۳۹.

۱۰. فقه سیاسی، ج ۲، ص ۲۳۳؛ اللعة دمشقیة، ص ۷۸.

۱۱. اللعة دمشقیة، ص ۷۸.

۱۲. المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۳، ص ۳۴۳؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۸.

۱۳. شرح السیر الکبیر، ص ۱۰؛ الفقه الإسلامی و أدلته، ج ۱، صص ۱۶۹ و ۱۷۰. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک: «از کشور اسلامی تا امت اسلامی و اکاوی مفاهیم حقوقی - سیاسی جهان اسلام»، صص ۲۹-۵۵.

۱۴. معجم لغة الفقهاء، ص ۱۸۶.

۱۵. البحر الرائق، ج ۳، ص ۲۲۲.

۱۶. الموسوعة الفقهیة الكويتیة، ج ۲۹، ص ۳۳۶.





مسلمان باشد یا کتابی و در صورت فوت شوهر یا طلاق تا اتمام عده ازدواج با او صحیح نیست، مستند این رأی روایت سراج از امام صادق(ع) است<sup>۱۷</sup> که پرسید عده زن نصرانی که شوهرش فوت شده چیست؟ امام صادق(ع) گفت عده زن آزاد مسلمان، چهار ماه و ده روز است.<sup>۱۸</sup> اما بنابر روایتی از امام باقر(ع) در مورد زن نصرانی که شوهر نصرانی اش او را طلاق داده بود پرسیدند که آیا عده زن مسلمان را نگهدارد، امام در جواب گفت: نه بلکه عده زن برده یعنی دو حیض یا ۴۵ روز عده نگهدارد، پرسیدند اگر بعد از طلاق مسلمان شد چه؟ امام گفت: عده زن مسلمان از طلاق را نگهدارد.<sup>۱۹</sup> بنابراین دو روایت، زن اهل کتاب نیز مانند زن مسلمان عده نگه می‌دارد.

ب) زن ذمی نیز در طلاق و وفات مانند زن آزاد مسلمان عده سپری کند.<sup>۲۰</sup> قول مشهور مساوات عده زن ذمی با زن آزاد مسلمان در عده طلاق و وفات است، شهید ثانی می‌گوید: «المشهور بین الأصحاب أن عدة الذمیة الحرّة كعدة المسلمة الحرّة»؛ «مشهور در بین اصحاب این است که عده زن ذمی آزاد مانند عده زن مسلمان آزاد است».<sup>۲۱</sup>

ج) عده برای زوجین مختلف الدار، یکی از زوجین در دارالحرب و دیگری مهاجر به سوی دارالاسلام: زنی که در دارالحرب مسلمان شده و به دارالاسلام آمده و شوهرش در دارالحرب ماندگار شده، فوراً جدایی میان آنها حاصل می‌شود؛ همچنین اگر شوهر در حال اسلام به دارالاسلام بیاید و زن حربی اش در دارالحرب بماند چنین حکمی دارد، اختلاف دار زوجین چه فعلی و چه حکمی و چه فعلی و حکمی منجر به فسخ نکاح آنها

می‌شود.<sup>۲۲</sup> اما در رابطه با عده زن در این دو حالت فقهای اسلامی اتفاق نظر ندارند در زیر اقوال فقها در این رابطه بیان می‌شود:

غالب فقهای اهل تشیع قائل به نگذاشتن عده توسط این زن هستند؛ در المذهب آمده است: کافری که مسلمان شود سپس مرتد شود... اگر ملحق به دارالحرب شود زنش باید عده طلاق نگهدارد،<sup>۲۳</sup> اگر مرد مسلمان شود و به دارالاسلام بیاید بینونت میان او و زنش که در دارالحرب است واقع می‌شود، و در صورتی که این اختلاف دار، فعلی باشد نه حکمی؛ مثلاً شخص ذمی برای تجارت به دارالحرب برود و زنش در دارالاسلام باشد و یا اینکه حربی برای تجارت به دارالاسلام بیاید و زوجه اش در دارحرب بماند، این اختلاف دار فعلی است نه حکمی و این دو هم چنان بر نکاحشان باقی خواهند بود.<sup>۲۴</sup> اگر زن در دارحرب مسلمان شود، به مجرد اسلام جدایی میان او و همسرش واقع نمی‌شود تا اتمام عده، با سه بار حیض در ذوات حیض یا سه ماه در غیر آنها یا با وضع حمل، و این عده اوست؛ زیرا امید به اسلام مرد وجود دارد... در این جدایی به خاطر اختلاف دین غیر مدخوله بنابر اتفاق فقها عده ندارد، اگر در دارالاسلام، اسلام بر زوجی که مسلمان نیست عرضه شود و او نیز امتناع کند جدایی میان آنها از زمان امتناع حاصل می‌شود و اگر در دارالحرب بودند در صورتی که مسلمان نشود با اتمام عده زوجه بین آنها جدایی واقع می‌شود. اگر یکی از زن و شوهر حربی اسلام بیاورد، نگهداشتن عده و زمان معتبر است.<sup>۲۵</sup>

از فقهای اهل سنت؛ شافعیه نیز معتقد به نگهداشتن عده هستند؛ اگر یکی از زوجین قبل از ازدواج کامل به اسلام بگردد، با تغییر دین، نکاح لغو و فسخ می‌شود. اما اگر بعد از ازدواج کامل تغییر دین صورت گیرد،

۲۲. المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۴، ص ۲۲۰.

۲۳. المذهب، ج ۲، صص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۲۴. المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۴، ص ۲۲۰.

۲۵. الروضة البهیة، ج ۳، ص ۷۸.

۱۷. الکافی، ج ۱۱، ص ۷۷۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۴۷۸.

۱۸. الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت(ع)، ج ۴، ص ۵۴۲؛ فقه الإمام الصادق(ع)، ج ۲، ص ۴۳۷.

۱۹. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۴۷۷.

۲۰. اللعة دمشقیة، ص ۱۹۶؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲۱. مسالک الأفهام، ج ۹، ص ۳۰۱؛ الکافی، ج ۱۱، ص ۷۷۵؛ الإشراف

علی مذاهب العلماء، ج ۵، ص ۳۶۱؛ موسوعة مسائل الجمهور فی الفقه

الإسلامی، ج ۲، ص ۷۶۹.

نکاح آنها با اتمام عده باطل می‌شود،<sup>۲۶</sup> در مذهب حنبلی اختلاف دار قبل از ازدواج کامل و نزدیکی منجر به فسخ نکاح می‌شود اما بعد از نزدیکی اگر در دوران عده طرف غیر مسلمان، مسلمان شد بر نکاحشان باقی خواهد ماند.<sup>۲۷</sup> نیز مالک می‌گوید: اگر زوج قبل از اتمام عده زنش به اسلام بگردد و زنش بعد از مسلمان شدن مهاجرت کرده باشد در رجوع به زن و زندگی مجدد با او مستحق تر است.<sup>۲۸</sup> با اشاره‌ای که به اتمام عده برای انقضای نکاح بیان شده پیداست که این سه مذهب نیز قائل به گذراندن عده برای چنین زنی هستند.

## ۲) سقوط عده

در برخی موارد مشاهده می‌شود که فقهای اسلامی قائل به ثبوت عده برای زوجین مختلف در دین و دار نمی‌باشند، در ذیل آراء عدم ثبوت عده بیان می‌شود: شیخ انصاری در کتاب نکاح خود آورده است: اگر زن بدون همسرش اسلام بیاورد، به دلیل حرمت نکاح کافر بر مسلمان «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»<sup>۲۹</sup> نکاح منفسخ و بر این زن گذران عده نیست. و بنابر ظاهر مذهب و همچنین در حدیث آمده است که زن نصرانی با مرد نصرانی ازدواج نمود و قبل از دخول زن مسلمان شد «قد انقطعت عصمتها و لا مهر لها و لا عدة عليها منه»<sup>۳۰</sup> عصمت در این نکاح قطع، و زن، مهر و عده ندارد.<sup>۳۱</sup> همچنین شیخ بحرانی این اقطاع عصمت و عدم مهر و عده را بیان نموده است<sup>۳۲</sup> و سبزواری آورده است: اگر زوجین کافر باشند و زن مسلمان شود، اسلام او عقد نکاح را فسخ می‌کند و این طلاق نیست، و اگر قبل از دخول زن مهر و

عده ندارد.<sup>۳۳</sup> از فقهای اهل سنت نیز تنها ابوحنیفه رأی بر عدم عده دارد؛ اگر یکی از زوجین حربی اسیر شود و به دارالاسلام آورده شود بدون طلاق مابین آنها جدایی حاصل می‌شود و نکاح حکما به خاطر تباین دار مابین آنها برداشته می‌شود و زوجه حربی عده ندارد؛ همچنین اگر یکی از زوجین، مسلمان شوند و به سوی دارالاسلام از دارالحرب خارج شود جدایی مابین آنها به خاطر تباین دارین بدون جاری کردن صیغه طلاق حاصل شده و اگر هم مرد، زن را طلاق دهد باز طلاق واقع نمی‌شود؛ بنابراین اگر زوج مسلمان شده باشد، زوجه حربی‌اش عده ندارد (چون طلاق واقع نشده تا عده‌ای وجود داشته باشد) و اگر زوجه مسلمان شده باشد و به سوی دارالاسلام آمده باشد، نزد ابوحنیفه بر زن مهاجر عده‌ای نیست<sup>۳۴</sup> و نزد ابوحنیفه مدخوله مختلف الدار عده ندارد، زن مسلمان برای شوهر حربی عده نگه نمی‌دارد، بنابراین هرگاه زنی به سوی دارالاسلام مهاجرت کند، مسلمان یا ذمی غیر حامل، جایز است ازدواج کند و عده ندارد، در قول دیگری آمده است که باید عده نگهدارد؛ زیرا زن آزادی است که جدایی و فرقت، بعد از ازدواج و قبل از ورود او به دارالاسلام صورت گرفته است و هر فرقتی که این گونه باشد باید حکم اسلام در مورد او اجرا شود،<sup>۳۵</sup> زن مرتده هرگاه به دارحرب پیوندد و قاضی حکم به الحاق او بدهد مانند مرده‌ها می‌شود و زن مرده عده ندارد؛ زیرا کسی که در دارالحرب می‌باشد مانند شخص میت است و بقایش در غیر محلش محال است و یا با این حکم ملحق به حربی‌ها می‌شود و زن حربی مخاطب عده نمی‌باشد؛ زیرا عده از احکام اسلامی است.<sup>۳۶</sup>

بنابراین در دیدگاه غالب و رأی مشهور فقهای اسلامی،

۲۶. الحاوی الکبیر، ج ۳، ص ۲۶۶.

۲۷. کشف القناع، ج ۵، ص ۱۱۹.

۲۸. المدونة الكبرى، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲۹. نساء، ۱۴۱.

۳۰. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

۳۱. کتاب النکاح، ج ۱، ص ۳۹۸.

۳۲. عیون الحقائق، ج ۲، ص ۳۳.

۳۳. مهذب الأحکام، ج ۲۵، ص ۶۸.

۳۴. شرح السیر الکبیر، ج ۶، ص ۸۶.

۳۵. الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت (ع)، ج ۴، ص ۱۹۶.

۳۶. تبیین الحقائق، ج ۳، ص ۲۸۷؛ شرح السیر الکبیر، ج ۵، ص ۱۸۱.





برای زنی که مسلمان نیست یعنی اهل کتاب و زن ذمی، که از لحاظ دین با مسلمان اختلاف اما از لحاظ دار اتفاق دارد، و نکاح آنها بنا بر طلاق یا فوت شوهر منحل شده است، عده را ثابت می‌دانند و برای چنین زنی به مانند زن مسلمان در صورت انحلال نکاح او عده را ثابت دانسته‌اند. همچنین اختلاف دار را نیز در ثبوت عده مؤثر ندانسته و برای تمام نکاح‌های منحل شده قائل به ثبوت عده هستند.

اما در رابطه با عده زنی که با همسرش دچار اختلاف دین در زمان زوجیت شده است و یا بر حسب تغییر دین خود یا همسر و خروج از بلاد کفر به سوی بلاد اسلام، نکاحش منحل شده است و به عبارتی با همسرش دچار اختلاف مکان شده است، برخی از فقها رأی به سقوط عده داده‌اند.

### تحلیل و ترجیح

با توجه به آراء فقها درباره عده زن مسلمان، کتابی، اهل ذمه و مختلف الدار، می‌توان برداشت کرد آنچه در اثبات و اسقاط عده تأثیر دارد، تبعه دارالاسلام یا دارالکفر بودن زوجین و حضور و یا خروج (حقیقی یا حکمی) یکی از زوجین از دارالکفر به دارالاسلام یا بالعکس می‌باشد؛ البته این خروج از طرف شخص مسلمان باید همراه با تغییر دین نیز باشد تا در عده تأثیر داشته باشد؛ زیرا صرف اختلاف دار زوجین یعنی حضور و سکونت در دار کفر یا اسلام بدون اختلاف دین آنها را از اسباب فرقت زوجین به شمار نمی‌آید تا در آثار آن منجمله عده تأثیر داشته باشد اما اگر این اختلاف مکان همراه با اختلاف دین نیز باشد، در این صورت باعث جدایی خواهد بود؛ زیرا از اسباب حرمت ازدواج میان مرد و زن، اختلاف آنان در دین است؛ بنابراین ازدواج مسلمان با کافر حرام و باطل است<sup>۳۷</sup> و حدوث اختلاف دین در اثنای نکاح آنها منجر به فسخ می‌شود؛ مثلاً اگر یکی از زوجین

حربی، مسلمان شود و به دارالاسلام بیاید و دیگری در دارالحرب بماند جدایی میان آنها حاصل می‌شود،<sup>۳۸</sup> در المذهب آمده است هرگاه زوج مسلمان شود سپس مرتد شود و تا انقضای عده بر شرک بماند نکاحش فسخ می‌شود.<sup>۳۹</sup> اگر زوج تا پایان عده بر شرک باقی بود، با اختلاف دین فسخ نکاح واقع می‌شود و ابتدای عده از زمان فسخ می‌باشد و بنا بر قول اقوا عده زن آزاد بر او واجب نیست؛ زیرا اصل برائت ذمه است.<sup>۴۰</sup> پس به تبع نکاح، عده نیز از بین می‌رود، ولی اگر زوجین تبعه دارالاسلام و غیر مسلمان باشند و یا اهل ذمه یا اهل کتاب نیز باشند بنا بر نظر فقها که بیان شد مانند زن مسلمان باید عده نگهدارند.

البته در این رابطه که آیا فقط تغییر مکان و اختلاف دین و دار باعث سقوط عده زن می‌شود یا نه، مواردی دیگری توسط فقها بیان شده که عده منتفی است؛ نزدیکی با عقد فاسد و شبهه و زنا، عده به معنای عده را واجب نمی‌کند ولی بر هر کدام از اینها چه نزدیکی با زنا یا شبهه یا عقد فاسد یا اکراه، باید رحم به اندازه عده استبراء یابد مگر زانیه که برای اجرای حد بر او با یک حیض استبراء یابد، و قبل از این حیض کشته نمی‌شود چون ممکن است حامله باشد همچنین مرتده نیز بعد از یک حیض کشته می‌شود.<sup>۴۱</sup> همچنین در طلاق بائن زوجهای که سنش کمتر از ۹ سال باشد و مدخوله عمدی یا اشتباهی باشد، و طلاق زن یائسه، طلاق زوجه قبل از دخول، در این سه مورد نیز عده وجود ندارد.<sup>۴۲</sup>

اما علت عدم ثبوت عده در موارد مذکور بالا ربطی به نظام حقوقی و مکان شخص نداشته و این که شخص از تابعین یک نظام حقوقی محسوب می‌شود یا نه مد

۳۸. المسبوط فی فقه الإمامیة، ج ۴، ص ۲۳۸؛ جواهر الکلام، ج ۳۰،

ص ۴۹؛ شرح السیر الکبیر، ج ۵، ص ۵۶؛ الحاوی الکبیر، ج ۳، ص ۲۶۶.

۳۹. المذهب، ج ۲، ص ۲۵۸.

۴۰. المسبوط فی فقه الإمامیة، ج ۴، ص ۲۲۷.

۴۱. الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت (ع)، ج ۴، ص ۳۴۵.

۴۲. منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۵۶.

۳۷. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۲۷ و ۲۸.



نظر نبوده است و صرفاً بنابر شرایط جسمانی زن از این لحاظ که به سن حیض رسیده است یا نه و عدم توفیر شرایط انعقاد عقد نکاح و یا نزدیکی به خاطر شبهه و یا خطا می‌باشد که با بحث تحقیق متفاوت و مقتضی پژوهشی دیگر است؛ چرا که تغییر مکانی زوج و یا زوج به مثابه مواردی که توسط فقها برای سقوط عده بیان کرده‌اند نمی‌باشد، و می‌توان گفت سقوط به خاطر مکان بیشتر جنبه سیاسی داشته و فقها به خاطر تفوق و برتری دارالاسلام بر دارالکفر عقود این افراد را باطل شمرده تا اثری در پی نداشته باشد؛ چرا که نگهداشتن عده دارای حکمت‌ها و فلسفه‌ای است که در ادامه بحث مطرح می‌شود که گذراندن این دوره به نفع شخص و جامعه می‌باشد و انگار امتیازی ویژه در این قانون شرعی است که شریعت و فقهای اسلامی آن را صرفاً برای شهروندان بلاد اسلام تشریح نموده‌اند همچنین در برخی موارد و بنابر رأی بعضی از فقها، عدم موجودیت شخص محل حکم را دلیل سقوط و نبود عده دانسته‌اند؛ زیرا در این مثال زن مرتده با خروج از دارالاسلام و پیوستن به دارالحرب از زیر لوای اسلام خارج می‌شود و در گروه مخالف قرار گرفته و امتیاز ویژه او حذف شده و اختلاف دار با این خروج حاصل می‌شود: زن مرتده هرگاه به دارالحرب بپیوندد و قاضی حکم به الحاق او بدهد مانند مرده‌ها می‌شود و زن مرده عده ندارد؛ زیرا کسی که در دارحرب می‌باشد مانند شخص میت است و بقایش در غیر محلش محال است و یا با این حکم ملحق به حربی‌ها می‌شود و زن حربی مخاطب عده نمی‌باشد؛ زیرا عده از احکام اسلامی است.<sup>۴۳</sup>

اما باید گفت اگرچه در این رأی حکماً موجودیت شخص منتفی شده است، اما واقعیت امر چیز دیگری و در حقیقت چنین شخصی موجود و به اقتضای موجودیت حکم عده نیز برجاست. در اثبات وجوب عده برای افرادی که اختلاف مکان یافته‌اند می‌توان

۴۳. تبیین الحقائق، ج ۳، ص ۲۸۷.

دلایل زیر را بیان کرد:

#### ۱) عدم فسخ فوری نکاح زوجین مختلف در دین و دار

در اینکه حدوث اختلاف دین و به تبع اختلاف دار ما بین زوجین مقتضی فسخ فوری نکاح آنها می‌باشد تا باعث سقوط عده برای چنین نکاحی باشد، لازم می‌دارد مختصراً این موضوع بررسی شود؛ چرا که عامل اختلاف مکان و دار در رابطه زوجیت حدوث اختلاف دین ما بین زوجین است و با این اختلاف آیینی هر کدام از آنها پیرو نظام حقوقی متفاوت از همدیگر خواهند بود و از این باب اختلاف مکان یا دار حکمی مابین آنها به وجود می‌آید اگرچه از لحاظ جغرافیایی متحدالمان باشند. رأی مشهور فقها فسخ و ابطال نکاح با حدوث اختلاف دین و دار مابین زوجین است.<sup>۴۴</sup>

ادله فقها برای ابطال و فسخ نکاحی که دچار اختلاف دین زوجین شده است:

الف) آیات «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ...»<sup>۴۵</sup> و «... وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ...»<sup>۴۶</sup>  
ب) روایاتی مانند: أمير المؤمنين (ع) به شوهر زن مجوسی‌ای که قبل از نزدیکی، زن مسلمان شده بود گفت: «أسلم فأبی زوجها أن یسلم، فقضی لها علیه نصف الصداق، و قال: لم یزدها الا سلام إلاعزا»<sup>۴۷</sup> و میان آنها جدایی افکند، و روایت: «إذا أسلمت امرأة و زوجها علی غیر الاسلام فرق بینهما»<sup>۴۸</sup> و همچنین امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل نموده «المرء علی دین خلیله و قرینه»<sup>۴۹</sup>.

۴۴. جواهر الکلام، ج ۳۰، صص ۴۹ و ۵۰؛ المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۴، ص ۲۳۸؛ ایضاح الفوائد، ج ۲، ص ۱۰۴؛ شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۳۸؛ شرح السیر الکبیر، ج ۵، ص ۵۶؛ الحاوی الکبیر، ج ۳، ص ۲۶۶؛ المدونه الکبری، ج ۲، ص ۲۱۳؛ الجامع الصغیر، ج ۱، صص ۳۰۹ و ۳۱۰.  
۴۵. بقره، ۲۲۱.  
۴۶. منتحنه، ۱۰.  
۴۷. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۲.  
۴۸. همان.  
۴۹. الکافی، ج ۴، ص ۶۹۵.





رای مخالف:

اما باید گفت که آرای شاذی وجود دارد که بر خلاف رای غالب و مشهور فقها، حدوث اختلاف دین ما بین زوجین را فاسخ نکاح نمی‌دانند، در این رابطه این گونه آمده است که: قول به اینکه به مجرد اسلام یکی از زوجین مشرک (کافر) ما بین آنها فرقت حاصل می‌شود، در نهایت ضعف است و مخالف شریعت اسلام است.<sup>۵۰</sup> اختلاف دین زوجین بعد از اصابت باعث فسخ نکاح نمی‌شود؛ مانند اسلام آوردن زن کافر که تحت نکاح مرد کافر است.<sup>۵۱</sup> نباید در ارتداد رای به مفارقت فوری زوجین داد؛ زیرا خلاف سنت رسول خدا(ص) است.<sup>۵۲</sup> داود بن علی می‌گوید: اگر زن ذمی اسلام آورد و شوهرش اسلام نیاورد؛ زن نزد مرد می‌ماند ولی مرد با او نزدیکی نکند، منظور و هدف فقها این است که عصمت در این نکاح باقی است و نفقه و سکنی برای زن واجب است ولی مرد حق نزدیکی با زن را ندارد.<sup>۵۳</sup> دلایل مخالفین مفارقت زوجین به ادله رای مخالف: الف) مصلحت ملزومه و عمل صحابه است؛ به وسیله علی و معاذ و ابو موسی افراد زیادی مسلمان شدند و مردان و زنان زیادی قبل از همسرانشان مسلمان شدند و به کسی نگفتند باید تو و زنت همزمان اسلام بیاورید و گرنه نکاحتان فسخ می‌شود، و بین کسی که با زنش یا بدون زنش مسلمان شد جدایی نینداختند و همچنین آن را محدود به سه قرء نکردند تا بعد آن نکاح را فسخ کنند.<sup>۵۴</sup>

ب) روایت: روایتی نظیر «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ رَدَّ النَّبِيُّ (ص) ابْنَتَهُ زَيْنَبَ عَلَيَّ أَبِي الْعَاصِ بْنِ الرَّبِيعِ بَعْدَ سِتِّ سِنِينَ بِالنِّكَاحِ الْأَوَّلِ، وَلَمْ يَحْدِثْ نِكَاحًا»؛ «پیامبر(ص) دخترش را که از مکه به مدینه آمده بود بعد از ۶ سال

با همان نکاح اولی پیش ابوالعاص برگرداند» می‌باشد.<sup>۵۵</sup> ج) آسان‌گیری در دین اسلام: دین اسلام دین آسان‌گیری است: «... وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ...»<sup>۵۶</sup> «در دین (اسلام) سخت‌گیری بر شما قرار نداده». دین اسلام به مسلمان‌ها توصیه دارد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ...»<sup>۵۷</sup> به استناد این آیه بیشتر عدم به رای گیری صحیح فسخ سریع و ایجاد فرصت برای تصمیم‌گیری زوجین در این زمینه، از آن برداشت می‌شود. د) صحت نکاح کفار: فقها اسلامی نکاح غیر مسلمانان و کفار را صحیح می‌دانند و بر آن آثار ترتب داده‌اند.<sup>۵۸</sup> در المبسوط آمده است: نکاح اهل شرک صحیح است.<sup>۵۹</sup> ابن براج می‌گوید: نکاح کفار نزد ما صحیح است.<sup>۶۰</sup> خداوند در مورد ابوجهل می‌فرماید: «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ»<sup>۶۱</sup> همچنین پیامبر(ص) نکاح اهل شرک را تأیید و در مورد شروط و کیفیت آن از مشرکان چیزی نپرسید.<sup>۶۲</sup> حکم به صحت نکاح کفار می‌شود.<sup>۶۳</sup> بنابراین به این عقد صحیح اثر نیز تعلق می‌گیرد و زوجه‌ای که تحت چنین نکاحی باشد برای استبراء باید عده نگهدارد، چرا که عده دلیل برای عدم گذراندن عده مورد تأیید نبودن نکاح آنهاست اما اگر نکاح اهل کفر را صحیح بدانیم باید آثار آن و من جمله عده اعمال شود.

همچنین کفار مورد خطاب احکام اسلامی هستند؛ اگر دلیل عدم نگهداشتن عده برای حریبه و مرتده کفر آنها باشد، در این زمینه می‌توان گفت که فقهای فریقین رای به مخاطب بودن کفار به فروع احکام اسلام هستند،

۵۵. سبل السلام، ج ۲، ص ۱۹۴.

۵۶. حج، ۷۸.

۵۷. نحل، ۱۲۵.

۵۸. أحكام أهل الذمة، ج ۲، صص ۶۱۴ و ۶۱۵.

۵۹. المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۴، ص ۲۳۹.

۶۰. المهذب، ج ۲، ص ۲۵۹.

۶۱. مسد، ۴.

۶۲. سبل السلام، ج ۲، ص ۱۹۵.

۶۳. کتاب نکاح، ج ۸، ص ۲۷۳۲.

۵۰. أحكام أهل الذمة، ج ۲، ص ۶۸۹؛ المستدرک علی مجموع فتاوی

شیخ الإسلام أحمد ابن تیمیة، ج ۴، ص ۱۸۲.

۵۱. کشف القناع، ج ۲، ص ۶۹۱.

۵۲. أحكام أهل الذمة، ج ۲، ص ۶۹۵.

۵۳. همان، ج ۲، ص ۶۴۷.

۵۴. همان، ج ۲، ص ۶۹۳.



با دوستی و محبت و حفظ احترام زوج سابق سازگاری ندارد و همچنین موجب جریحه‌دار شدن عواطف بستگان است. رعایت حریم زندگانی و زناشویی حتی بعد از جدایی نیز امری فطری است و به همین دلیل در قبایل مختلف آداب و رسوم گوناگونی بر این منظور وجود داشته است. هرچند افراط و تفریط‌هایی در این زمینه صورت گرفته است، بنابراین آیه ۲۳۴ بقره به زنان بیوه اجازه می‌دهد که بعد از نگهداری عده و حفظ حریم زوجیت گذشته، اقدام به ازدواج کنند.<sup>۶۹</sup>

د) حفظ شأن و منزلت و شخصیت زن؛ همان‌طور که در اسلام برای حفظ شخصیت زن بسیاری احکام وضع شده است در این زمینه نیز به خاطر جلوگیری از سوء استفاده و خدشه وارد شدن به حریم زن، عده تشریح شده است.

علاوه بر حکمت‌های بیان شده آمده است که فلسفه واقعی احکام نزد خداوند است و در رابطه با عده نیز اینکه چرا عده وفات ۴ ماه و ده روز و عده طلاق سه قمر ... و یا اینکه با وسایل جدید پزشکی می‌توان به براءت رحم علم پیدا کرد پس دیگر نیازی به عده نمی‌باشد، می‌توان گفت که فرض تعدی بودن عده مبنای نگهداشتن آن است و تمام تبعه و مکلفان اسلام ناچار از اجرای آن هستند و حکم و جوب آن بر جای است چرا که وضع احکام از سوی خداوند از روی حکمت و بر مبنای عقل سلیم می‌باشد و تعبداً باید پذیرفته شود تا بندگی و عبودیت و تسلیم حاصل شود غالب و کامل امور تعدی به فطرت و تمایلات فطری و باطنی نوع بشر بر می‌گردد و تمام انسان‌ها چون بر یک فطرت آفریده شده‌اند پس در تسلیم و سرفروود آوردن در مقابل اوامر الهی یکسان می‌باشند. اصل تشریح عده به علت منصوص بودن آن در قرآن، بدون شک و شبهه مورد اجماع فقها و حقوق دانان است، هر چند حکمت‌های برشمرده برای این عده بر اقتناع عقل سلیم کافی می‌باشد. قرآن کریم، فلسفه عده را ظهور

۶۹. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۹۳.

کفار مخاطب فروع شریعت و مأمور به آن هستند.<sup>۶۴</sup> اگرچه باید گفت حریبه معمولاً بعد از پذیرش اسلام به دارالاسلام مهاجرت می‌کند که در این زمینه چنین آمده است: اگر کافری مسلمان شود مانند سایر مسلمان‌ها هم حقوق دارد و هم مسئولیت، پس تکالیف شرعی مانند عبادات و جهاد بر او لازم می‌شود و احکام اسلامی در مورد او اجرا می‌شود.<sup>۶۵</sup>

## ۲) حکمت عده

تشریح عده بنابر سند مسلم و قطعی قرآنی می‌باشد اما نزد فقها ادله‌ای در ضمن این مستندات نیز بیان شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ترین الف) براءت رحم و ممانعت از اختلاط نسب: بدیهی ترین علت نگهداشتن عده برای زنی که رابطه و مهم زوجیت وی منحل شده، جلوگیری از اختلاط نسب است،<sup>۶۶</sup> در خروج از نکاح به دلیل فوت و طلاق زوجه باید در مدت معینی برای جلوگیری از اختلاط نسب از ازدواج مجدد خودداری کند.

ب) فرصت به نادم از طلاق به بازگشت دوباره و اصلاح دلیل اختلاف زوجین در دوره عده است و تفکر و تأمل در مصلحت به بازگشت به زندگی زوجیت یا طلاق و ترک آن است.<sup>۶۷</sup> خداوند حکیم می‌فرماید: «... وَبِعَوْلَتِهِنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكِ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا تَرْتَدُّ، إِنْ كُنَّ حُرًّا»<sup>۶۸</sup> «شوهران آنان نسبت به بازگشت محق نیت خیر و اصلاح دارند».

ج) از دیگر حکمت‌های عده نگه داشتن زن این است که اگر زوجه بعد از مرگ زوج فوراً ازدواج کند این قضیه

۶۴. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۶۷؛ أنوار الفقاهة - کتاب الزکاة، ص ۲۴؛ عیون الحقائق، ج ۲، ص ۱۷۳؛ مبانی الفقه الفعّال، ج ۳، ص ۹۸؛ تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح، ص ۳۰۳؛ کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۵۶۷؛ عوائد الأيام، ص ۲۸۷؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۴۱؛ آیات الأحکام، ص ۳۲۷؛ ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۷۵۲.

۶۵. الموسوعة الفقهية الكويتية.

۶۶. رک: حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱۰۶.

۶۷. الفقه الإسلامي وأدلته، ج ۹، ص ۶۹۷۸؛ حقوق خانواده، ج ۱، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۶۸. بقره، ۲۲۸.



تکوین جنین در رحم و فراهم کردن امکان بازگشت شوهر به زن در طلاق رجعی بیان نموده است<sup>۷۰</sup> و به نظر می‌رسد که تمایل به بازگشت به زندگی همسر در صورت علم به حامل بودن زن، چندان ارتباطی به دین و دار نداشته باشد و برای حفظ مصلحت پرورش طفل نزد پدر و مادر واقعی او، والدین از هر دین و داری این تمایل و از خودگذشتگی را از خود نشان می‌دهند، پس نمی‌بایست فرقی میان فارق از نکاح مسلمان و غیر مسلمان و یا سکنه داراسلام و دارحرب باشد؛ زیرا نکاح در تمام بلاد و ادیان تعریف مشترک دارد و تغییر اشخاص بنا بر دین و آیین و قومیت و ملیت در تعریف و هدف و اصل نکاح تأثیری نداشته، و تمام حکمت‌هایی که برای عده نگه داشتن زوجه مسلمان لحاظ شده است در نکاح غیر مسلمان‌ها و برای زن غیرمسلمان نیز وجود دارد و برای او نیز می‌توان این حکمت‌ها را قائل بود چرا که متأثر شدن از طلاق و تفکر و تأمل در زمینه اصلاح و تغییر مشکلات و خلق و خوهایی که باعث طلاق بوده‌اند یک مسئله انسانی -

### نتیجه‌گیری

۱. عده مدت زمانی است که بعد از انحلال نکاح یا فوت زوج، زوجه باید نگهدارد.  
۲. عده برای تمام نکاح‌هایی که در بلاد اسلامی منعقد می‌شود واجب‌الرعايه است و در این زمینه فرقی میان زوجه مسلمان و ذمی و اهل کتاب وجود ندارد.  
۳. فقهای اسلامی برای حربه‌ای که به دارالاسلام مهاجرت می‌کند و مرتده‌ای که از دارالاسلام خارج می‌شود قائل به نگهداشتن عده نیستند، اما با توجه به عدم فسخ نکاح این افراد و صحه گذاشتن بر نکاح اهل کفر از طرف علمای اسلام و مورد خطاب بودن کفار نسبت به احکام اسلامی و همچنین احراز تمام حکمت‌های نگهداشتن عده در مورد این افراد، حربه و مرتده مشمول قانون اسلامی نگهداشتن عده می‌شوند.

### کتابنامه

- قرآن کریم.  
- احکام أهل الذمة، محمد بن ابی‌بکر ابن‌قیم جوزیه، داماد، رمادی، ۱۴۱۸ق.  
- «از کشور اسلامی تا امت اسلامی و اکاوی مفاهیم حقوقی - سیاسی جهان اسلامی»، اسماعیل آجرلو و علی بهادری جهرمی، مجله مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۸، ۱۳۹۴ش.  
- الإشراف علی مذاهب العلماء، محمد بن ابراهیم ابن‌منذر، امارات، مكتبة مكة الثقافية، رأس الخيمة، ۱۴۲۵ق.  
- أنوار الفقاهة - كتاب الزكاة، حسن بن جعفر كاشف الغطاء، نجف، مؤسسه كاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق.  
- إيضاح الفوائد فی شرح مشكلات القواعد، محمد بن حسن فخرالمحققین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.  
- آیات الأحكام فی تفسیر كلام الملك العلام، محمد بن علی استرآبادی، تهران، كتاب‌فروشی معراجی، ۱۳۹۴ق.  
- البحر الرائق شرح كنز الدقائق، زین‌الدین بن ابراهیم ابن‌نجیم مصری، بیروت، دارالكتاب الإسلامی، بی‌تا.  
- «پس از طلاق، بهترین فرصت برای ازدواج مجدد چه زمانی است؟»، شهناز نوحی، در: خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۴/۴/۳۱ش.

- تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق، عثمان بن علی زیلعی، بولاق، المطبعة الكبرى الأميرية، ۱۳۱۳ق.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۵ش.
- تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح، محمد فاضل لنکرانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۴۲۱ق.
- الجامع الصغیر مع شرحه النافع الكبير، محمد بن حسن شببانی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۶ق.
- جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمدحسن نجفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی، علی بن محمد ماوردی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
- حقوق خانواده، سید حسین صفایی و اسدالله امامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ش.
- حقوق مدنی، سید حسن امامی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۰ش.
- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، زین الدین بن علی شهید ثانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
- سبیل السلام، محمد بن اسماعیل صنعانی، قاهره، دارالحديث، بی تا.
- شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، جعفر بن حسن محقق حلّی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- شرح السیر الكبير، محمد بن احمد سرخسی، قاهره، چاپ صلاح الدین منجد، ۱۹۷۱م.
- عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، احمد بن محمد مهدی نراقی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
- عیون الحقائق الناظرة فی تتمیم الحدائق، حسین بن محمد بحرانی آل عصفور، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- الفقه الإسلامی و أدلته، وهبه زحیلی، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۷م.
- فقه الإمام الصادق(ع)، محمدجواد مغنیه، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ق.
- فقه سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ش.
- الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت(ع)، عبدالرحمن جزیری، سید محمد غروی و یاسر مازح، بیروت، دارالثقلین، ۱۴۱۹ق.
- «قدرت نرم نظم اساسی جمهوری اسلامی ایران در تحقق آرمان وحدت اسلامی»، سید محمد مهدی غمامی، مجله مطالعات قدرت نرم، شماره ۶، ۱۳۹۱ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- کتاب الطهارة، مرتضی بن محمد امین انصاری، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
- کتاب النکاح، مرتضی بن محمد امین انصاری، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
- کتاب نکاح، سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۳۷۸ش.
- کشف القناع عن متن الإقناع، منصور بن یونس بهوتی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۹۵ش.
- اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، محمد بن مکی شهید اول، بیروت، دارالتراث؛ الدار الإسلامیة، بی تا.
- مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیة الأساسیة، علی اکبر سیفی مازندرانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۵ق.
- المبسوط فی فقه الإمامیة، محمد بن حسن طوسی، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق.
- المدونة الكبير، مالک بن انس، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.





- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمداقر بن محمدتقی مجلسی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ١٤٠٤ق.
- مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، زين الدين بن على شهيد ثانی، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٣ق.
- المستدرک على مجموع فتاوى شيخ الإسلام أحمد ابن تيمية، محمد بن عبدالرحمن ابن قاسم، بی جا، بی نا، ١٤١٨ق.
- معجم البلدان، ياقوت بن عبدالله حموى، بيروت، دارصادر، بی تا.
- معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، محمود عبدالرحمن عبدالمنعم، قاهره، دارالفضيلة، بی تا.
- معجم لغة الفقهاء، محمدرواس قلعه جى و حامدصادق قنبيى، بيروت، دارالنفاىس، ١٤٠٨ق.
- منهاج الصالحين، سيد على حسينى سيستانى، قم، دفتر آية الله سيستانى، ١٤١٧ق.
- موجز دائرة المعارف الإسلامية، جمعى از نويسندگان، امارات، مركز الشارقة للإبداع الفكرى، ١٩٩٨م.
- الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، كويت، دارالسلاسل، ١٤٢٧ق.
- موسوعة مسائل الجمهور فى الفقه الإسلامى، محمد نعيم محمد هانى ساعى، قاهره، دارالسلام، ١٤٢٨ق.
- المهذب، عبدالعزيز بن نحرير ابن براج، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٦ق.
- مهذب الأحكام فى بيان الحلال و الحرام، سيد عبدالاعلى سبزوارى، قم، دارالتفسير، ١٣٨٨ش.
- وسائل الشيعة، محمد بن حسن حرعاملى، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، بی تا.